

ارادۀ خلق

بجای

ارادۀ شاه

طبقات حاکمه ایران و در رأس آنها شاه و حکومت خود را بر این بنیان نهادند بدون آنکه به موازین بین المللی و قوانین ملکی حتی آن قوانینی که خود آنها از تصویب دولت و مجلس گذرانده اند کمترین وقتی بگذرانند. برای آنها که قدرت را در دست دارند قوانین تا آن زمان مراعات شدنی و قابل اجراست که منافع آنان کوچکترین لطمه ای وارد نیاید و آنها آنکه که قوانین باخواست و حتی پلوهی های آنها در تضاد افتد در پایمال کردن آنها پروا نمی دارند و افکار عمومی را نیز به پیشانی نمیگزینند. در جامعه طبقاتی، قانون چیزی جز اراده طبقه حاکم برای تامین منافع و مقاصد خویش و اجبار توده های مردم به اطاعت و تن دادن به استعمار نیست. بهر آنکه که اراده این طبقه ملکی گیرد صورت قانونی داده میشود، گاهی نیز این اراده تحقق می پذیرد بدون آنکه بصورت قانون درآید. با این احوال طبقه حاکمه پای بند قوانینی که خود وضع کرده نیست.

امروز جنبش دموکراسی و سوسیالیستی در سراسر جهان بانفازهای نیرومند است که به بورژوازی امکان نمیدهد در چهار چوب موازین دموکراتیک باقی بماند و موازینی که خود روزی حامل آنها بود، با مدد گرفتن از آنها بقدرت رسیده برای رشد و تکامل خویش آنها را گسترش داده بصورت قوانین بورژوازی جامعه عرضه داشت. اکنون بورژوازی مجبور است در برابر موج عظیم مبارزه توده ها که حیات وی را تهدید میکند موازین دموکراتیک را بمقتضای اوضاع و احوال بعضاً و کلاً کنار گذارد. بیه اعمال تهر آشکار و سرکوب نیروهای انقلابی بپردازد. این پدیده امروز در سراسر جهان با وضوح تمام چشم میخورد.

کدام دولت است که فی المثل در زیر اعلامیه حقوق بشرامضای خود را نگذارد باشد؟ اما کدام دولت استشارکری است که بیه مفاد و مدلول این اعلامیه وفادار باشد و بدان عمل کند؟ معذک کثر دولتی را میتوان یافت که در نقض قوانین و پایمال کردن حقوق مردم به اندازه شاه ایران و دولت او گستاخی نشان دهد. دلیل آنهم روشن است. نهضت مردم ایران علیه رژیم جابر و استبدادی کثونی پدیده ای نیرومند است که احترام به حقوق فردی و اجتماعی، پیروی از بدوی ترین موازین دموکراتیک حیات این رژیم را در معرض خطر قرار میدهد. از اینرو با آنکه شاه میباید خود را در انتظار جهانیان عنصری شرقی و دموکراتیک و رژیم ایران را رژیی با ثبات جلوه دهد معذک مجبور است آشکارا به نقض قانون اساسی - قانونی که بدفعات بدان دستبرد زده - و قوانین کشوری و بین المللی دست زند و ماهیت خود و رژیم خود را بشناساند.

شاه برای تثبیت و تقویت رژیی که ایجاد کرده قوانین شداد و غلاظی از تصویب مجلسین پویشالی گذرانیده و میگردد. ارتش و پلیس و سازمان امنیت محاکم نظامی زندان و شکنجه و اعدام و دستگاه عریض و طویل ادارات دولتی همه اینها دستاورد کارزارند برای آنکه مردم را به اطاعت از این قوانین وادارند برای آنکه مردم قوانین و مصوبات وی را بشمايه آیات مقدس بشناسند آنها را محترم شمارند و بر طبق آنها عمل کنند. "ارادۀ ملودانه" ... بشمايه قانون در همه جا و در همه حال نافذ است، مشوب است، لازم الاجراست ولو آنکه ناقص، ناکفیه قوانین و از آنجمله قانون اساسی باشد. اما این قوانین و مصوبات که تظاهر ارادۀ طبقه حاکمه اند نه تنها محترم و مقدس نیستند، مردم و محکوماند وتوده های مسرمد باید علیه آنها بپا خیزند آنها را بر اندازند و بجای آنها قوانین خویش را بنشانند. بقیه در ص ۳

اندیشه مائوتسه دون را در شرائط ایران بکار برید

آنچه که گذشته میا موز یکی هم اینست که باید با بیماری دکا - نسیم که تا مدتی کره پانگیز حزب توده ایران بوده است مبارزه بر حاست. دکاتسیم به آن شیوه تفکری اطلاق میشود که احکام و اصول مارکسیسم - لنینیسم را بشمايه آیات و احکامی می شمرد که میتوان آنها را بدون توجه به شرایط زمانی و مکانی بکار بست و احکام و اصولی که ثانی است بکار بری همیشه آنها را بخاطر سپرد برای آنکه بکلمه آنها تمام معضله مبارزه اجتماعی راحل کرد.

دکاتسیم از دکها مدد میگیرد، بدون آنکه شرایط مشخص اوضاع متغیرو تجارب ناشی از پراتیک انقلابی را در مد نظر قرار دهد. بی جهت نیست که دکاتیکها از انطباق خلاق مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط مشخص ناتوانند. دکاتسیم در واقع تئوری را از پراتیک جدا میکند و لذا سیاست که بر پایه دکاتسیم در پیش گرفته میشود ناگزیر سیاستی اشتباه آمیز از آب در می آید.

مبارزه مارکسیسم - لنینیسم با دکاتسیم بخاطر آنست که این یک مارکسیسم - لنینیسم را دچار انجماد میکند، می خشکاند روح آفرینندگی را از آن میکرد. اما روزی روزی مبارزه با دکا نسیم را بهانه قرار میدهد برای آنکه مارکسیسم - لنینیسم را بگوید و ایدئولوژی بورژوازی را بجای آن بنشانند.

حزب توده ایران از بیماری دکاتسیم بر کنار نماند و راه حل بسیاری از مسائل دشوار و مهم نه در شرایط مشخص موجوده نه در بر حورد خلاق بواقمیت بلکه در تئوریه عبارات و اندیشه های بزرگان دانش مارکسیسم - لنینیسم جستجو میکند.

بروز دکاتسیم در حزب توده ایران در شرایط آن روز شکست آور نشود. اندکی بگذشته بر گردیم. عرش تپه های انقلاب اکبر نه تنها مبطر آزادی خلق های جهان از استعمار و استعمار بود بلکه ناقوس مرگ امپریالیسم و ارتجاع بولگدرگوشها طنین می افکند. امپریالیسم کوشید کرد. کرد دولت جوان شوراهای دیواری بکشد، دیواری که مانع نفوذ اندیشه های انقلاب اکبر در میان خلق های ستمدیده و محروم کرد. ایران بخشی در این دیوار بود.

حکومت رضاخان که هدف اساسی جلوه گوی از نفوذ و نفوس افکار و اندیشه های مارکسیستی و جلوه گوی از پیدایش و گسترش سازمان کمونیستی در ایران بود از ورود هرگونه کتب و نشریات کمونیستی بشور جلوه گوی میگرد به تفتیش افکار و عقاید می پرداخت. دارندگان افکار شرقی و تا چه رسد به افکار کمونیستی را بیرحمانه سرکوب میکرد. "قانون سیاه" را از تصویب مجلس گذرانید. فعالیت دگر اراتی و نشر مجله دنیا، مجله ای که در آن مسائل علمی و اجتماعی با اسلوب دیالکتیک مارکسیستی تحلیل میکردید، بی روی نیاید. حکومت بیست ساله رضاخان که بدوران سیاه معروف است از کشور انبیاان گورستانی ساخت و سنت مبارزه را از پهنه آن بر انداخت.

حزب توده ایران در پایان چنین دورانی با بعرضه وجود نهاد، در زمانی که کتر کسی از مارکسیسم حتی نامی شنیده بود در نخستین سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ امکان دسترسی به پارهای کتب و مجلات مارکسیستی آتیم بقیه در ص ۳

نقشه آدم دزدی

اطلاع میرسد که سازمان امنیت ایران که از فعالیتات ایرانیان مکتوم در چهار هراس گردیده نقشه توطئه جدیدی را طرح کرده و شخصی بنام چهاربخشی را برای اجرای آن باآلمان فرستاده است. اطلاع مذکور حاکی است که چهاربخشی در مونیخ اقامت دارد و ماموریت یافته که عده ای از ایرانیان فعال را تحت مراقبت قرار دهد و وسائل ربودن چند تن از آنها را فراهم آورد. باین طریق طبق اطلاع مذکور - که با توجه بشمايه عمل سازمان امنیت ایران درست بنظر میرسد - سازمان امنیت اکبرین برج پایی دستگاههای جاسوسی دست نشانده کره جنوبی که سال گذشته عده ای از گروهای های دمکرات و مخالف رژیم را از فرانسه و آلمان ربودند نام میگردد. ما این خبر را بااطلاع همه ایرانیان مقیم خارج و بویژه دانش جویان میسرسانیم تا از وسیله سازبهای سازمان امنیت برجذر باشند و نقشه جدید او را فاش سازند.

صنعتی کردن ایران

بچه معنی و از چه راه؟

همان است که در واقع روزی روزیستهای شوروی و ایرانی تلفیق و تصریح میکنند و خیانت آنها بخلق ایران در همین جا است. ایادی دیار و دولت و نمایندگان روزی روزیست های شوروی و ایرانی برای اثبات نظریه خود به فریب کاریهای رنگارنگ دست میزنند: آثار جعل میکنند، سرمایه گذار بیهای غارتگرانه امپریا لیستی را بشمايه سرمایه گذاری ملی جا میزنند، وام های امپریا لیستی را تراکم سرمایه میثامند، ورود کالاهای صنعتی را نشانده صنعتی شدن کشور جلوه میدهند، کارخانه های موتاز را که مستقیماً در قبضه امپریالیستهای صنایع ملی بشمار می آورند، چپاول مواد معدنی ایران را که بدست امپریالیست ها و روزیو نیست ها انجام میگیرد توسعه تولید مواد معدنی قلمداد می کنند ... و غیره.

اما منظور و مورد در عه این جوانب نیست. ما میخواهیم به طور کلی باین سؤال پاسخ کوئیم که صنعتی کردن ایران بچه معنی است و آیا کشوری مانند ایران تحت سیادت امپریالیستها اصولاً میتواند صنعتی شود؟ بعضی ها می پندارند که اگر صرف کالاهای صنعتی مانند اتومبیل، نلبه، تراکتور و موایبها زیاد شود کشور صنعتی شده است در نظر فشری از حرد و بورژوازی شمیری ایران پیدا شدن بچجال و کولر در بعضی از خانه ها نشانه صنعتی شدن کشور است. بعضی دیگر توسعه هر گونه صنعت را صنعتی کردن کشور می پندارند. بنظر آنها رواج صنایعی از قبیل کسرو ساق، پارچه بافی، کتید سازی، سیمان، شند و غیره همان صنعتی کردن کشور است. اما مقصودی که هواداران استقلال بقیه در ص ۳

سختگیران و جراید دیاری و روزی روزیستهای شوروی و ایرانی فریاد میکنند که ایران در شاهراه صنعتی شدن روان است. معاون نخست وزیر شوروی (ملیپاکف) کوی سبقت را از همه چابلسان و گاسه لیسان ربود و گفت: "کشور ایران کشور سعادت مند است، سعادت می که بدست ملت ایران ساخته میشود" تمام طرح های ریخته شده "منطقی و واقع بینانه" علمی و ضامن پیشرفت های سریع ایران در رشته های کوناگون صنعتی و کشاورزی فرهنگی و بهداشتی و اجتماعی خواهد بود. (اطلاعات ۲) ۲۷ فورورد ۱۳۴۶)

روزی روزیستهای ایرانی شادی کردند که ایران "اکنون کشوری صنعتی - کشاورزی است یعنی امروز در اقتصاد ایران صنعت در مقام اول است نه کشاورزی" (مجله دنیا شماره ۳ سال ۱۳۴۶) "مهمتر از همه دینامیسم قابل توجه است که در اقتصاد کشور مشاهده میشود". تئوید گروه کشاورزی بتدریج مقام اول خود را به تولید گروه صنعتی انتقال میدهد. " برنامه پنج ساله چهارم کام مبعی در جهت صنعتی کردن کشور است " و حتی هشدار دادند که "انتخاب خواهد بود اکسر جهات مثبت تحولی که از این جهت در کشور ما روی میدهد توجه لازم نشود با آن کم بها داده شود" (مجله دنیا شماره ۳ سال ۱۳۴۷).

این ادعای کوچکی نیست. اگر درست است که محمد رضاشاه از کشور ایران کشور سعادت مندی ساخته است، اثر درست است که ایران را از کشوری کشاورزی به کشوری صنعتی مبدل گردانیده است و همچنان در راه صنعتی کردن به پیش میروند در آن صورت باید از رژیم او پشتیبانی کرده باید بزر برجم او رفت. و این

شورای تعاونی اقتصادی در دست ریز یولیست های شوروی وسيله استعمار و غارت خنقهای اروپای شرقی

دار و دسته مرتد ریز یولیست اتحاد شوروی برای آنکه خلق های اروپای شرقی و خلق های انقلابی جهان را بفریبید سیاست نو-استعماری جنایتکارانه خود را تحت عنوان "دفاع از منافع جامعه سوسیالیستی" عملی میسازد. دار و دسته مذکور دستها است که به گروه سوسیال امپریالیست مبدل شده است. این دار و دسته که اروپای شرقی را منطقه نفوذ خویش می شمارد عدای از کشورهای این منطقه را تحت عنوان "تقسیم کار بین المللی سوسیالیستی" و "تخصص در تولید" و "همکاری-تولید" و یا "ادغام اقتصادی" بصورت متبوع مواد اولیه بازار سرمایه گذاری و بازار کالا های خویش در آورده است. "شورای تعاون اقتصادی" ابزار سوسیال - سوسیالیسم شوروی است در نظارت بر بخش های حیاتی مالی و اقتصادی برخی از کشورهای شرقی و در عارت و استثمار خلق های آنها.

"تخصص در تولید" بمعنای استعمار کردن است.

این دار و دسته که تمام گوشه خود را در داخل "شورای تعاون اقتصادی" برای عملی ساختن "تخصص در تولید" بکار انداخته پایه های اقتصاد مستعمراتی و یا نیمه مستعمراتی را در اروپای شرقی گذاشته است. آن "تخصص در تولید" که مورد ادعای این دار و دسته میباشد باین معنی است که یک یا چند کشور از اعضا "شورای تعاون اقتصادی" در تولید کالای معینی برای رفع نیازمندی های سایر ممالک عضو شوروی تخصص میشوند. سیستم مذکور موجب آنچنان "تقسیم کاری" میشود که اتحاد شوروی به تولید ماشین ها و افزارها و سایر محصولات صنعتی میرد از و حال آنکه سایر کشورهای عضو شوروی تولید مواد غذایی و کشاورزی و معدنی اکتفا میکنند. مثلاً مجارستان ۳۲/۳٪ و واردات پشم شوروی ۵۷/۷٪ و واردات کسرو سبزی شوروی ۶۶٪ و واردات مواد اولیه اروپای شوروی را میدهد. بلغارستان مقادیر عظیمی توتون، میوه، سبزی و سایر مواد غذایی به شوروی تحویل میدهد. قرارداد های بازرگانی در از مدت (۱۹۶۶ - ۱۹۷۰) که اتحاد شوروی با مجارستان و بلغارستان منعقد ساخته است تصدیق میکند که مجارستان باید معادل ۶۲۰ میلیون روبل مواد کشاورزی و سایر مواد مصرفی بسمه اتحاد شوروی تحویل دهد و بلغارستان معادل ۳۲۵ میلیون روبل مواد کشاورزی. حتی چکوسلواکی که از لحاظ صنعتی کشور نسبتاً تکامل یافته است از حیث بنیوم، اورانیوم، نول و مواد اولیه که در ساختن لاستیک، انوییل، بکار می رود منبع عمده اتحاد شوروی بشمار می رود. در سال ۱۹۶۵ مواد اولیه ای که ریز یولیست های چکوسلواکی به اتحاد شوروی تحویل دادند ۳۸٪ مجموع ارزش صادرات آنان یک کشور مذکور یعنی معادل ۳۴۹ میلیون روبل بود.

در عین حال دار و دسته ریز یولیست شوروی سبلی از مواد صنعتی یکشورهای نامبرده میزند تا توسعه صنایع آنها را مانع کرد. "تخصص تولید" در چندین کشور اروپای شرقی موجب تکامل معیوب اقتصادی کرده است. چکوسلواکی نمونه شاخص آنست. دار و دسته ریز یولیست این کشور با اطلاع از فرمان ریز یولیست های شوروی که ۶۷٪ اقتصاد ملی آن را تحت نظارت دار و دسته بخصوص بتکامل صنعت خویش پرداخت و تولید کشاورزی را بسمه کاهش عظیمی دچار ساخت بطوریکه امروز بسطح قبل از جنگ هم نمیرسد. محصول غلات در ۱۹۶۶ در چکوسلواکی نسبت قبل از جنگ تا ۴۰٪ تنزل داشت. از آنجا که دار و دسته ریز یولیست چکوسلواکی منابع طبیعی خود را کاملاً مورد استفاده قرار نمیدهند پیوسته از لحاظ مواد معدنی وابسته بانحاد شوروی است. در نتیجه صدها یک از "تخصص در تولید" بر آن وارد آمده است؛ تولید صنعتی چکوسلواکی کاهش یافته و سطح فن آن رو به تنزل است. ماشین ها و افزارهایی که از اتحاد شوروی وارد میشوند روز بروز در اقتصاد ملی چکوسلواکی موضع مهمتری اشغال میکنند ریز یولیست های شوروی در اثر "تخصص در تولید" توانسته بازرگانی خارجی سایر اعضا "شورای تعاون اقتصادی" را زیر نظارت خود در آورند و باین طریق آنها را روز بروز بیشتر وابسته خویش سازند. آنها بیش از ۳۵٪ صادرات کالا های صنایع سنگین چکوسلواکی را تحت نظارت دارند. ۹۵٪ نفت ۶۵٪ سنگ معدن ۵۰٪ مس و ۹۹٪ کدوم وارداتی چکوسلواکی نیز

تحت نظارت آنهاست. همچنین ارقام دیگر نشان میدهد که نظارت دار و دسته شوروی بر صادرات مجارستان چقدر دامنه دار است: در صادرات مجارستان ۷۹٪ وسائل حمل و نقل و ۸۲٪ افزارهای صنایع غذایی؛ ۶۸٪ وسائل مخابرات ۷۹٪ تجهیزات دریایی ۶۰٪ مواد دارویی تحت نظارت شوروی است و در وارداتش ۵۸٪ نفت خام ۹۲٪ مواد نفتی ۹۵٪ سنگ آهن ۹۷٪ چدن ۹۹٪ کدوم کوبک در ۷۷٪ انرژی و ۷۳٪ صنایع چوب.

باین طریق بازرگانی خارجی این کشورها در چنگال ریز یولیست های شوروی است و آنها در این زمینه سیاست دلخواه خود را عمل میکنند.

سوسیال امپریالیسم شوروی بنام "همکاری در تولید" تزیین کرده است که سایر اعضا "شورای تعاون اقتصادی" فقیب واسطه های هستند که مواد خام صادراتی او را بکارخانه بیزند تا وی بتواند تولید نوب آهن، سبزی، نفت، پارچه های و تجهیزات دریایی آنها را تحت نظارت خود گیرد. قسمت اعظم صنایع چندین کشور عضو "شورای تعاون اقتصادی" مانند صنایع نفت و شیمیایی چکاسلواکی و جمهوری دموکراتیک آلمان و لهستان در زیر سلطه سوسیال امپریالیسم شوروی است.

ریز یولیست شوروی اگر مواد اولیه لازم را به کشورهای اروپای شرقی میسراند. این کشورها مواد مذکور را به کالاهای تمام ساخته مبدل میسازند و آنها را دوباره بانحاد شوروی میفرستند و آنکه این کالاها را شوروی بهمین کشورهای ببهایی کران صادر میشود. باین طریق ریز یولیست شوروی باستعمار بیرحمانه کشورهای اروپای شرقی دست میزند. در ۱۹۶۶ بیش از ۱۰٪ واردات چک اسلواکی از حیث مواد اولیه از شوروی میاید و در عین حال ۵۰٪ ماشین ها ۸۰٪ ورق آهن و بیش از ۵۰٪ تجهیزات صنایع سبک و ۱۰۰٪ کشتی ها و تجهیزات آنها که در چک اسلواکی ساخته میشد بسمه اتحاد شوروی صادر میگردد. بعلاوه در عین حال که چکوسلواکی انواع قطعات صنعتی مانند کاربناتور و سایر قطعات انوییل برای شوروی میسازد انوییل و اقسام گوناگون افزارهای صنعتی از آن کشور وارد میکند. مجارستان بکسیتی با اتحاد شوروی صادر میکند و از آنجا محصول ساخته شده از یکسیتی بسمه یعنی آلومینیوم ببهایی کران وارد میکند. این ارقام گواه روشن ماهیت غارتگر "همکاری در تولید" میباشد.

مقادیر عظیمی از کالاهایی که مشتری ندارد با برچسب "کدک" و "وام" و "همکاری" بقیعت های کران صادر میشوند.

سوسیال امپریالیسم شوروی از نام "کدک" و "وام" و "همکاری" فنی "برای سرمایه گذار بهایی کران در کشورهای عضو" شوروی تعاون اقتصادی" استفاده میکند. مبلغ کلی این "وام ها" به چکوسلواکی، بلغارستان، لهستان و سایر کشورهای عضو "شورای تعاون اقتصادی" به چندین میلیارد روبل میرسد. همچنین باید متذکر شد که "وام ها" و "کدک های" مذکور نقد نیست بلکه بصورت کالا ها و افزارهایی است که بی مشتری مانده است و بقیعت های کرافت تحت عنوان "کدک" و "وام" صادر میشود. مثلاً ریز یولیست شوروی بر طبق برنامه پنج ساله ۱۹۶۶ - ۱۹۷۰ تحت عنوان "کدک" مقادیر عظیمی کارخانه های کابل به اروپای شرقی صادر میکند. از آنجمله ۳۰ دستگاه کارخانه کابل به مجارستان. استثمار و غارت بی پروای خلق های اروپای شرقی از طریق مداخلات نا برابر بازرگانی میان دار و دسته مرتد ریز یولیست شوروی و سایر اعضا "شورای تعاون اقتصادی" همیشه نابرابر بوده است. ریز یولیست معاصر شوروی نه فقط این کشورها را به حریف کالافا بی مشتری مجبور میگردد بلکه آنها را بوسیله معاملات نابرابر بیرحمانه استثمار میکند. ریز یولیست شوروی با بالا بردن ارزش روبل ببهایی صادرات خود را یکشورهای عضو "شورای تعاون اقتصادی" بالا برد و ببهایی محصولات وارداتی از این کشورها


را بایشین آورد. ریز یولیست شوروی با استفاده از اینکه کشورها مذکور مواد اولیه کم دارند در برابر مقدار قطعی مواد اولیه که بآنها تحویل میدهند مقدار عظیمی کالای صنعتی دریافت میدارد و باین طریق آشکارا بیز ارزان این کشورها را استثمار میکند. مثلاً یک ماشین چک اسلواکی که ممکن است در کشورها دیگر با ۲۰۰ تن سنگ معدن مبادله شود در اتحاد شوروی فقط با ۱۰۰ تن مبادله میشود. آن مقدار کالاهای انوییل که در شوروی فقط با ۱۳۰۰ تن نفت مبادله میشود در کشورهای دیگر ممکن است با ۳۰۰ تن مبادله شود. ریز یولیست شوروی چون بر صنایع سایر کشورهای عضو "شورای تعاون اقتصادی" نظارت دارد قیمت محصولات صنعتی را که این کشورها بشوروی صادر میکنند بیهیجا تنزل میدهد. مثلاً یک ماشین از نوع DP ۱۶۰ که در جمهوری دموکراتیک آلمان ساخته میشود فقط به ۱۵۰۰۰ روبل بشوروی فروخته میشود و حال آنکه جمهوری دموکراتیک آلمان میتواند آنرا بکشور دیگر به ۲۰۰۰۰ روبل بخرود. یک ماشین تراش GFL ۴۰۰۰ که ریز یولیست های شوروی ببلج ۶۰۰۰ روبل فروخته میشود و حال آنکه در جهای دیگر ممکن است به ۱۰۰۰ روبل بخرود ببرد. اتحاد شوروی نفت را از قرار هر بشکه ۱/۳۱ دلار به ایتالیا از قرار هر بشکه ۱/۲۶ دلار به ژاپن از قرار هر بشکه ۱/۳۲ دلار بآلمان غربی میفرودد ولی همان نفت را از قرار بشکهای ۲/۶۱ دلار به کشورهای اروپای شرقی بخرود میسازد. حتی بشکه ای که اتحاد شوروی به برخی از این کشورها صادر میکند پنج برابر بیش از قیمت همان ژاکورها در بازار بین المللی است.

بایمال کردن حاکمیت سایر کشورهای ببهانه "ادغام اقتصادی" ریز یولیست شوروی ببهانه "هم آهنگ سازی" اقتصادی کشورهای اروپای شرقی "ادغام اقتصادی" را بر آنها تحمیل کرده است و "ما فوق دولتی" بوجود آورده که هر یک از کشور های مذکور "سازمان استانی" آتند. ریز یولیست شوروی باین طریق گستاخانه در امور داخلی کشورهای مذکور مداخله میکند و حاکمیت آنها را بایمال میسازد. پس از آنکه حفسطه "موسسه بزرگ اقتصادی بین الدول" که در ۱۹۶۶ به پیش کشیده شد با شکست روبرو گردید دار و دسته ریز یولیست شوروی در پایان ۱۹۶۶ مجدداً "شورای تعاون اقتصادی" را بر آن داشتند "موافقت نامه مربوط به سازمان استانی" را تصویب کند تا دار و دسته مذکور بتوانند آنرا وسیله نظارت بر این کشورها قرار دهد. بوجوب این موافقت نامه یک سلسله سازمان که سازمانهای استانی "مافوق دولت" میباشد بوجود میاید تا تولید، فروش و تجردید توزیع و تدارکات مواد اولیه و غیره را هماهنگ سازد. در واقع این کشورهای اروپای شرقی بصورت توابی از ریز یولیست شوروی در آمده اند. دار و دسته های ریز یولیست های اروپای شرقی در برابر ریز یولیست شوروی تسلیم شده نظارت او را بر بخش های حیاتی اقتصاد کشور خویش پذیرفته و به منافع خلق کشور خود حیاتت ورزید مآند.

بطور خلاصه بسمایر از کشورهای اروپای شرقی در زیر سلطه استعمار نوین دار و دسته ریز یولیست شوروی بصورت مستعمره و تحت الحمایه در آمده اند و باید عارت و بیداد او را تحمل کنند. ولی این امر نمیتواند مدت زیادی دوام یابد. این تجاوزناریا بتدریج موجب بیداری خلق های ستم زده اروپای شرقی خواهد شد و آنها را بر خواهد انگیخت که بر ضد ریز یولیست شوروی تاین سوسیال - امپریالیسم و عمالسن بپاروز انقلابی برخیزند.

ترجمه از "یک انفرماسیون شماره ۴۸"

نامه بر رققا



نامه ای است از رققا فروتن و فاسی که چون منتقل بر توضیح مسأ چند از نسبت مارکسیستی - لنینیستی میان سازمان نوفان با انتشار آن مبادرت جسته است.

نامه مذکور بضمیمه این شماره روزنامه منتشر شد. آن را از روزنامه تسوفان بخواهید.

بها : ۴۰ ریال

پیروز باد جنگ توده ای خلق قهرمان ویتنام

اراده خلق... بقیه از ص ۱) فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده ها باشد و چنین قانونی جز بادیست توده های زحمتکش جز با اراده آنها نمیتواند بر جامعه حکومت کند.

سخن گفتن از قانون با شاه و کوشش در نشان دادن مولد نقض قوانین و اجبار او به رعایت آنها اگر در مواردی، آنها مشروط به اینکه شاه افکار عمومی نیرومندی در برابر خود ببیند نتایج مثبتی بیار میاورد ولی هرگز او را از راهی که در پیش گرفته باز نخواهد داشت کما اینکه پیش از بیست سال است که علی رغم اعتراضات قانونی مردم و حتی افکار عمومی جهان همچنان به پا مال کردن حقوق و تجاوز به نوامیس خلق ادامه میدهد و پروای کسی ندارد. البته این بدان معنی نیست که باید از تجهیز نیروهای جنبش المللی غفلت ورزید ولی اگر فعالیت جنبش نجات بخش به همین شیوه مبارزه محدود بماند و همراه با آن مبارزه در میان توده های مردم بخاطر سرنگونی رژیم در پیش گرفته نشود این فعالیت محدودی که تنهایی چندان شورش خست نیست و فقط گاه گاه میتواند به نتایج بیانجامه چنانکه هم اکنون از این طریق جان عدوهای از فرزندانش کشور تاشون در امان مانده است. اما فراموش نکنیم که دهها و صد هاهزار تن از خلق نهان یا آشکار بدست جنایتکاران بر خاک هلاک افتاد اند و اکنون هم تاشیک شاه ایستد که مبارزان راه آزادی و استقلال را ن را در نهان بدن آنکه سرو صدائی برآوردند بدست هیرمین مرگ سپارد. از اینجا روشن است که تجهیز افکار عمومی کافی نیست، در برابر زور کوشی و قانون شکنی شاه تنها یک راه وجود دارد: راه قهر - انقلابی.

علی رغم این حقیقت آشکار سالهاست روزیونیستهای ایران در ارگانهای تبلیغاتی خود به شاه و دیگر دزدان و زمین خور میگویند که نقض قوانین و بی پروایی به موازین دموکراتیک و حقوق انسانی از لحاظ اخلاقی مذموم است و از آنها می طلبند که از این راه باز گردند. روزیونیستها بر آنند که با پند و اندرز میتوان شاه و دزدان رژیم را بر سر عقل آورد، اما مبارزین طبقاتی پند و اندرز نمی پذیرد. این مبارزه از قوانینی پیروی میکند که باید آنها را شناخت و بویژه بر اساس آنها عمل کرد. قانون مبارزه طبقاتی حکم میکند که خلق ایران برای آنکه به زور کوشی و قانون شکنی شاه و طبقه حاکمه پایان دهد باید زور را با زور پاسخ دهد "اراده ملوکانه" و اراده طبقه حاکمه را در هم شکند و اراده خلق را بجای آن بنشانند.

خلق محروم و زحمتکش ما نباید در برابر اراده و قوانین شاه و حکومت او تسلیم شویم هیچ دلیلی نیست بر اینکه بیگانه خائن و جنایتکار با تکیه بر اسلحه پولیکه از دسترنج مردم گرفته بدست میاورند هرگونه که اراده آنها است عمل کنند توده مردم در برابر زور کوشی آنان سر تسلیم فرود آورند. داشتن اسلحه - سلاح طبقات حاکمه نیست توده های مردم نیز حق دارند و باید برای دفاع از منافع و دفاع از حقوق و نوامیس خود اسلحه بدست گیرند.

البته دشمن که قدرت سیاسی را در دست دارد از لحاظ اقتصادی و مالی نیرومند است، قدرت او بطور عمده در ارتش او است که مجهز به مدرن ترین سلاحها است. اما نباید فراموش کرد که دشمن در برابر خلق ایران اقلیت ناچیزی پیش نیست، اقلیتی که در میان خلق پایگاهی ندارد و منفرد و مطرود است. هر گاه خلق ایران اهمیت این نکته را در یابد که در ایران تنها بزور اسلحه میتوان وضع نا بسامان کنونی را از ریشه درگزن ساخت، هر گاه خلق ایران عزم خود را در مبارزه جزم کند و مصمم باشد تا پیروزی از پای نایستد بیقین در راه پیروزی کام بر خورداشت و آنرا تا پایان خواهد پیمود.

مارکسیسم - لنینیسمت های ایران باید با این سخنان لنین که "لرزم نخستین منظم اندیشه انقلاب قهر آمیز توده ها - وهمانا این اندیشه - پایه تمام آموزش مارکس و انگلس است" جامعه عمل ببوشانند و با بی گیری راه قهر آمیز مبارزه را بر میان توده ها بیرنگ آنرا تبلیغ کنند و لزوم و صحت آنرا در حرف و در عمل نشان دهند و در عین حال از آنجائی که جنگ خلق فقط در زیر رهبری طبقه کارگر میتواند به هدفهای خود دست یابد، به اندیشه احیاء حزب طبقه کارگر که هم اکنون در راه آن رهسپار اند هر چه زود تر تحقق بخشند.

اندیشه مائوسه سون... بقیه از ص ۱) بنیادهای خارجی بوجود آمد. حزب توده ایران نه تنها در همان آغاز به ترجمه و تبلیغ پارهای آثار مارکسیسم پرداخت، بلکه در درون حزب به اشاعه و ترویج جهان بینی طبقه کارگر دست زد. همین اصول مائوسه فلسفه "پولیستر که توفان" آنرا تجدید چاپ کرده و در اختیار علاقمندان قرار داده یادگار آن دوران است. البته کسانی که با زبانهای خارجی آشنائی داشتند میتوانستند از آثار دیگر مارکسیسم - لنینیسم نیز بهره بردارند. فقط در آغاز سالهای ۵۰ آثاری از رفیق مائوسه در دسترس آنها در یک یا چند نسخه به ایران رسید و معدودی به مطالعه آن دست یافتند.

در چنین اوضاع و احوالی و در شرایط چنین امکانات محدود توده های حزبی و بویژه روشنفکران پیشرو که حزب روی آورد بودند به فراگرفتن مارکسیسم لنینیسم پرداختند. چیزی که چشم میخورد این بود که همه با شور و شوق در پی آن بودند که کسطن آگاهی شوریک خود را ارتقا دهند.

این آموزش گشایی ناگزیر به تفکر دکامتیک انجامید. روشن نگاران و از آنجمله کارهای بالای حزب مارکسیسم - لنینیسم را کم و بیش می آموختند ولی آنرا هضم نمیکردند و همین جهت از انطباق این دانش بر شرایط مشخص جامعه نیز طبیعتاً نا توان بودند. در چنین شرایطی پیدایش دکامتیسیم در درون حزب پدیدهای غیر عادی نیست. در کشور ما و در آن دوران "دکامتیسیم نتیجه طبیعی و گریز ناپذیر همان جهل عمومی بود، نتیجه طبیعی و ناگزیر دورانی بود که توده ها مارکسیسم را می آموختند ولی هضم نمیکردند" (اعلامیو بر نامه کونینت های انقلابی بلشویک روسیه ص ۲۷)

آموزش دیگر ما در چنین شرایطی قرار نداریم. در سایه اشاعه و ترویج جهان بینی طبقه کارگر که در سایه ترجمه فارسی و بخش آثار کرانه های رفیق مائوسه و در هر کس و بویژه ایرانیانی که در خارج از کشور بسر میبردند میتوانستند از آن خورشید برگزینند و ملاحظه در سایرین و گسترش افکار سوسیالیستی در سراسر جهان، مانده تنها نتوانستیم مارکسیسم - لنینیسم را بیاموزیم بلکه نتوانستیم ایم آنرا تا حدودی هضم کنیم. معرفت ما جامعه ایران به مراتب بیشتر از آنست که در آغاز تأسیس حزب توده ایران بود. از این جهت اکنون ما باید کوشش خود را صرف آن بداریم که بر دکامتیسیم غلبه کنیم، باید با تمام قوا کوشید مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوسه و در بر شرایط مشخص ایران انطباق داد. انطباق مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوسه و در بر شرایط مشخص ایران شرط لازم پیروزی در مبارزه پیروزی بر نیروهای است اهریمنی شاه و هیئت حاکمه پیروزی در انقلاب دموکراسی نوین، سازمان ما در سندی که در تعیین وظایف مهم خود بدست داده یک سلسله از مسائل را فرمولبندی کرده است از جمله اینکه ایران در مرحله انقلاب دموکراسی نوین است، مسرکده انقلاب

طبقه کارگر، نیروی محرک آن دهقانان و مبارزه بخاطر تحصیل قدرت سیاسی شکل جنگ انقلابی توده های است. ولی ما هنوز علی رغم این فرمول بندی ها از استخراج احکامی که نتیجه ضرر ایطخاص ایران باشد بیروم. البته این به آن معنی نیست که فرمول بندی بالا در انطباق با شرایط کنکرت ایران نیست بلکه باین معنی است که این فرمول بندی از تجربه خود ما بیرون نیامده بلکه تجربه تعمیم یافته دیگران در کشورهای مستعمره و نیمه فووال است و در مورد جامعه ما نیز که دارای این دو خصالت است صدق میکند.

سازمان ما که بسوی انقلاب ایران رهسپار است باید از هم اکنون که در آستانه مبارزه است پیوسته این نکته را در مرکز دید خود قرار دهد که نه تنها مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائو را بیاموزیم بلکه بدان شکل ملی دهد یعنی آنرا در مورد انقلاب ایران بکار بندد. بدین پیی است که اینکار جز در پرتابک انقلاب و در صحنه ایران امکان پذیر نیست. اما اگر مسائل انقلاب را در پرتابک انقلابی میتوان حل کرد شیوه تفکر دیاکتیک را در مسائل روزمره ای که با آنها سرو کار داریم میتوان بکار برد و به تحلیل مسائل با این شیوه تفکر خو گرفت. خلق چین از آغاز انقلاب کبیر فرهنگی کوشید در محیط کار و فعالیت خود، در حل مسائل که در برابر وی قرار میگید از اندیشه مائوسه و در مارکسیسم - لنینیسم دوران ماست مدد گیرد، با بکار بستن اندیشه مائو بر مشکلات بقیه در ص

صفتی کردن ایران... بقیه از ص ۱) اقتصادی ایران از صنعتی کردن کشور دارند بگلی با این مخالف است زیرا که استقلال اقتصادی کشور را هرگز نمیتوان با این گونه صنایع تامین کرد و توسعه اینگونه صنایع نه فقط با منافع آژندانه امپریالیستهای تضاد نیست بلکه با آنها هم آهنگی کامل دارد. امپریالیستهای مستعمرات و کشورهای وابسته به گسترش آن صنایعی که ساخته ها صنعتی آنها و یا سرمایه های مالی آنها را جذب میکند چشم موافقت میکنند و یاری می رسانند. لنین میگوید: " آنچه امکان صدور سرمایه را فراهم میسازد اینست که یک سلسله از کشورهای عقب مانده، اکنون دیگر بد اثره سرمایه داری جهانی داخل شده اند، خطوط عمده راه آهن در آنها احداث کردیده و یا شروع باحداث شده موجبات اولیه برای تکامل صنعت فراهم گردیده است و غیره و غیره". استالین میگوید: " این شیوه خاص امپریالیسم است: توسعه صنایع در مستعمرات، اما بطوری که صنایع مذکور وابسته به ضرورتها، به امپریالیسم باشد". آن صنعت پارچه بافی (و نظائر آن) که کارخانه و افزارهای یدکیش از کشورهای امپریالیستی باید و جانش در دست امپریالیستها باشد، پشتیبان استقلال اقتصادی کشور نیست و نمیتواند قدمی در راه صنعتی کردن کشور بشمار آید.

استالین در سال ۱۹۲۶ هندوستان را مثال میرد که رشته از صنایعش گسترش مییافت و لی این امر هرگز بمعنای صنعتی شدن هندوستان نبود. امروز نیز بعد از چهل سال هنوز می توان هندوستان را مثال زد که چهار کارخانه زوب آهن نیز دارد ولی نه صنعتی شده است و نه استقلال اقتصادی دارد. هندوستان بعقل گوناگون و از آنجمله فقدان بازار داخلی مجبور است که حتی محصول آهن گدازی خود را بهبهای ارزان با میزبان لیستها و روزیونیستها تقسیم کند، و هر آن که آنان اراده کنند آهن گدازی هندوستان خواهد فرود.

صنعتی کردن کشور بمعنای گسترش هم آهنک صنایع کشور است که صنایع سنگین یعنی " صنایع تولیدی وسائل تولید - یعنی صنایعی که کارخانه و وسائل تولید میسازد - در مرکز آن قرار دارد. اینست نکته اول.

نکته دوم اینکه: ایجاد صنایع سنگین سرمایه میخواید که سرمایه سنگین میخواید. این سرمایه در کشورهای امپریالیستی از غارت مستعمرات و کشورهای وابسته از خون ملت های اسپر بدست آمده است، و روشن است که ایران نمیتواند از این راه به تراکم سرمایه بپردازد. یگانه راه در جلی ایران و ممالک نظیر او ایستد که سرمایه لازم برای صنعتی کردن را از دسترنج خلقهای خود بتراکم سازند. از یک سو باید نیروهای عظیم تولید را آزاد ساخت و ابتکار معجزه آفرین میلیون ها کارگر و دهقان را در تولید بکار انداخت. از سوی دیگر باید دست امپریالیسم را از غارت دسترنج خلق و ثروت های طبیعی وی کوتاه گردانید و لازمه این هر دو کار، سرنگونی رژیم ضد خلق و استقرار حکومت توده ایست. فقط در اینصورت است که توده های زحمتکش در پیشرفت تولید دنیف می شوند بازار داخلی پیوسته توسعه مییابد، تراکم داخلی هر سال رو با افزایش مییورد و زمینه بایدار داخلی برای صنعتی کردن کشور بوجود می آید. در عیر اینک تا وقتی که از کلیه امکانات تولیدی توده ها استفاده نمی شود، تا وقتی که دسترنج خلق بوسیله امپریالیستها برود، میشود سخن گفتن از صنعتی کردن کشور چیز دیگری جز فریب امپریالیستی و روزیونیستی نمیتواند باشد.

چهار نکته

- ۱- جوانان کنای نیز توجه گرفتند که در شمارهای ۱۶۹۱ روزنامه توفان جای صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲ یکدیگر عوض شده بود. از این اشتباه چه سالی پیوسته بطلمیم.
۲- در شمارهای صفحه سوم شماره ۱۰۱ بجای اسمی جوانان زاده... کیا نوا در اشتباه جویان زاده و کلیاتی نوشته شده است.
۳- در نشریه شماره ۴ توفان: " اعلامیه و برنامه کونینت های انقلابی بلشویک شوروی" در چند تاریخ اشتباهی روی داده است. خواهشمندیم این ارقام صحیح را بجای آنها بگذارید:
در "تذکر": اسفند ۱۳۴۵
فروردین ۱۳۴۶
در پایان "چینکشار": اسفند ۱۳۴۵
۴- بیهی نشریه شماره ۵ توفان: " روزیونیسم در روشنی و عمل" در آخر آن جزوه بجای "ریال اشتباهها" "ریال نوشته شده است."

پیروز باد مبارزه قهر آمیز خلق دلاور فلسطین

صلاح اتمی

جمهوری نوده‌های چین

جمهوری نوده‌های چین در چهار سال پیش برای نخستین بار انحصار سلاح اتمی را از کلمبیا و رومینوس شوروی که میخواستند بنگ آن پروتاریا و خلق های آسیا و محروم را از انقلاب از نیل به آزادی و استقلال باز دارند و سلطه نفوذ سیاسی و اقتصادی خویش را بر سراسر جهان بگسترانند بد آورده . از آن پس آزما پنهانی نه انجام گرفت دستاوردهای خلق چین را در زمینه سلاح اتمی و هسته‌ای پیوسته و پیوسته بحثند . در این هنگام که امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا دست در دست رومینوس شوروی میگذشت با میلیتاریسم ژاپن اتحاد نامقدسی علیه خلق چین ببندد و در پیرامون جمهوری نوده‌های چین کمربندی از دولت‌های ارتجاعی بوجود آورد تقویت نیروی دفاعی چین و دفاع از این مرکز انقلاب اهمیت بسیاری میکند . آزما پیش موفقیت آمیزی که روز جمعه ۲۷ دسامبر مسال گذشته در جمهوری نوده‌های چین صورت گرفت کام بزرگ دیگری بود که در راه تکمیل و تکامل سلاح اتمی و هسته‌ای در تقویت نیروی دفاعی چین برداشته شد .

خلق های جهان بتقویت نیروی اتمی جمهوری نوده‌های چین با خرسندی و شادمانی فراوان میگردند . سلاح اتمی در دست جمهوری نوده‌های چین به پروتاریا و خلق های ستمدیده نیسرو می‌بخشد و آتش مبارزه بخاطر رهایی از یوغ امپریالیسم و نیسول با آزادی و استقلال و پیشرفت بسوی رفاه و ترقی را در آنها باز هم شعله‌ور میسازد . تقویت و تکمیل نیروی اتمی چین وشبه مبارزه خلق ها و پیروزی آنهاست ، غمان حفظ و تکمیل صلح جهانی است .

اندیشه مائوتسه دون ۰۰ بقیه از ص ۳ کار خود علیه کسب و کار خود را پیشرفت دهد . "علیا" "دیالکتیک" رومینوسنها کسانی که شیوه تفکر دیالکتیک را در حیطه اندیشه "بزرگان" و مختصره حل مسائل مهم و معضل اجتماعی می شمارند نفوذ اسلوب تفکر مارکسیستی را در نوده‌های وسیع خلق برای حل مسائل روزمره به سخره گرفتند اما نفوذ شیوه تفکر پروتاریا در از هان توده ها بنظور بکار بستن آن در فعالیت روزانه خود یکی از عوامل مبارزه با ایدئولوژی غیر پروتاریا در از هان توده ها و بر انداختن این ایدئولوژی از صحنه اجتماع است با تمام نتایج سیاسی و اقتصادی که بر آن مترتب میگردد .

یکی از درسهایی که از انقلاب کبیر فرهنگی میتوان آموخت خود گرفتن به حل مسائل روزمره با شیوه تفکر مارکسیستی لنینیستی است . برای نیل باین مقصود آموختن مارکسیسم - لنینیسم و پیوسته اندیشه مائوتسه دون نخستین شرط است اما آموزش کابلی به تنهایی کافی نیست باید آنرا با فعالیت عملی ام از حزبی و دانشجویی در آمیخت و بدین طریق بتدریج آموزش کابلی را هضم کرد . در غیر اینصورت معلومات بصورت محفوظاتی از آثار مارکسیستی - لنینیستی در میاید که فقط بدر "اظهار فضل کردن" میخورد و نه بدر کار انقلابی ، از چنین محفوظاتی دکامیسم میزاید و نه مارکسیسم خلق .

البته ممکن نیست نسخه‌های ارائه داد که بر طبق آن بتوان مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون را بر واقعیت به درستی انطباق داد ولی هرگاه پیش از آنکه بعملی دست زنییم آنرا در کار شرایط عینی موجود بگذاریم ، پیوند آنرا با این شرایط همه جانبه بررسی کنیم یا بکنه رفیق مائوتسه دون هر اندازه ممکن است کاملتر ذهن خود را با عین تطبیق دهیم ، در حین عمل اشتباهاتی را که پیش میاید اصلاح کنیم چه بسا که بمقصود خویش دست خواهیم یافت .

انطباق اندیشه مائوتسه دون بر شرایط مشخص مبارزه این درست آنچیزی است که آموزش مائو از ما می طلبد ، آموختن اندیشه مائو و عدم انطباق خلق آن بر مبارزه انقلابی بر خلاف اندیشه مائوتسه دون است .

اعتماد حزبی و راز حزبی

حزب تابع تصمیمات تمام حزب است . باید برای بیان بی اعتمادی خود و نظریات و حواست هائی که از آن نتیجه میشود راهی را برگزیند که رسماً در حزب مقرر شده است . (جلد اول - قسمت اول منتخبان بقارس ۷۷۷) پس معلوم است که ما باید در کار حزبی اعتماد حزبی را ملاک قرار دهیم و بپرسیم آن اندازه اعتماد کنیم که حزب اعتماد کرده است .

ولی این بیان معنی نیست که راز حزبی را با هر فرد مورد اعتماد حزب میتوان در میان گذاشت .

نخست باید دید که راز حزبی چیست ؟ - راز حزبی آن است که اگر از پرده بیرون افتد ممکن است مورد استفاده دشمن قرار گیرد . در حزب مخفی ، عضویت افراد نام آنها ، ماموریت آنها محل قرارها ، محل جلسات بسیاری از تصمیمات راز حزبی است و چون افشاء راز حزبی موجب کامیابی دشمن و زیان حزب میگردد باید آن را تا آن حدود و با آن افراد وارگان ها در میان گذاشت که فعالیت حزب ایجاد میکند و مقررات حزبی معین کرده اند . باید توجه داشت که رازهای حزبی را همه نمی دانند و نباید بدانند . هر کس و هر ارگان آن بخش از رازهای حزبی را میدانند که در حیطه صلاحیت حزبی است ، که برای فعالیت

حزبی اولازم است . در ابزار راز حزبی با هر شخص و با هر ارگان نباید اندازه اعتمادی را که شخص یا ارگان مذکور از آن برخوردار است ملاک قرار داد بلکه باید بصورت ابراز راز به صلاحیت شخص یا ارگان مذکور در اطلاع بر آن راز شخص توجه کرد . علی القاعده یک عضو کمیته ایالتی فارسیو یک عضو کمیته ایالتی آذربایجان از لحاظ برخورداری از اعتماد حزبی در یک درجه اند ولی چه بسیار مسائلی است که با قضاوت فعالیت حزبی خود این یک باید بدانند و آن یک نباید بدانند و برعکس . پس این نکته را پیوسته بخاطر بسپاریم و بدان عمل کنیم :

راز حزبی فقط آنکه و در آنجا باید در میان نهاد که ضرورت حزبی در میان باشد .

بعضی از رفقا اعتماد شخصی را با اعتماد حزبی اشتباه می کنند یکی با دیگری بزرگ شده است ، آنان و نمک خورده است ، در محیط واحد اجتماعی بار آمده است ، در مبارزاتی در کنار او شرکت جست است ، باو اعتماد دارد و اینک میخواهد در مناسبات حزبی با او اعتماد شخصی خود را ملاک عمل قرار دهد و او را محرم خاص خود بشمارد و در امور حزبی با او "ندار" باشد . برعکس یکی نظر خوشی با دیگری نداشته ، با او برخورد نکند پیدا کرده و حتی بد گمانی از او بهم رسانده و اینک که او را راز حزبی میدهد ، میخواهد قضاوت خود و حتی بد گمانی خود را ملاک عمل قرار دهد ، او را از درجه اعتماد ساقط بشمارد و از همکاری با او سراززند .

بدیسی است که اگر این روش بماند آید دیگر سازمان حزبی با اراده واحد و عمل واحد نمیتواند وجود داشته باشد . چنین روشی در اینجا موجب بروز اسرار حزبی و در جای دیگر موجب وقفه امور حزبی خواهد شد و حزب را بدرجه یک محفل خصوصی تنزل خواهد داد .

البته هر فرد حزبی میتواند و باید نظر مثبت یا منفی خود را نسبت باین فرد یا آن فرد در اختیار ارگان های ذیصلاحیت حزبی بگذارد ولی حق اتخاذ تصمیم در باره هر فرد فقط بسا حزب است و این تصمیم باید از طرف هر فرد حزب محترم نباشد .

شود . عنوان عضویت حزب ، عنوان رفیقی ، عنوان این یا آن مسئولیت فقط از طرف حزب داده و گرفته میشود و دلخواه هیچ افرادی نمیتواند در آن تغییر یابد و در آن کفد .

لنین چنین توضیح میدهد :

من وقتی که هنوز عضو حزب نیستم در اظهار اعتماد با بسی اعتمادی به فلان و بیمان ستارم . ولی وقتی که عضو حزب می شوم حق ندارم فقط به بی اعتمادی مهم متوسل گردم بلکه باید اعتماد با بی اعتمادی خودم را بطور رسمی مستدل سازم یعنی باحکام مندرج در برنامه ، در تائید ، در اساسنامه مراجعه هم باید قبول داشته باشم که تصمیمات من و تصمیمات هر بخش از

یک سال مبارزه پراقتخار

حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه

یکسال از تاسیس حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه میگذرد . حیات رومینوسهای حزب والد که روشه احیا حزب طبقه کارگر فرانسه را که ادامه دهنده سنن پرافتخار آن طبقه و پرافرازانده برجیم مارکسیسم - لنینیسم باشد ایجاد میکرد . لشکر دسامبر ۱۹۲۷ که از "نخست مارکسیستی - لنینیستی فرانسه" برخاسته بود این حزب را بنیاد نهادن حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه در آستانه نبردهای عظیم طبقاتی قدم بمرصه گذاشت و در مبارزات کم - نظیر ماههای مه و ژوئن در نشان دادن ماهیت دولت انحصارگرا فرانسه ، در افشاء سیاست سازشکاری حزب والد که ریشه در عداوت نیروه های جوان انقلابی و در بخش مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون نقش درخشانی بازی کرد . رومینوسهای فرانسه برای شکستن امواج انقلابی و نجات دولت انحصارگرا توسط انتخابات را به پیش انداخته و دست در دست سیاه ترین نیروها فرانسه به فرو نشاندن و سرکوتن جنبش برداختند . حکومت

دولت حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه را غیر قانونی اعلام کرد و بسیاری از کارهای آنرا بزنندگان انداخت . این اقدام اوکوازه دیگری بود بر آنکه حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه نه فقط میان خود و دشمن مرز دقیقی ترسیم کرده بلکه در راههای خود کامیابی های درخشانی داشته است اما دولت انحصارگرا فرانسه بپیوسته پنداشت که میتواند جز طبقه کارگر فرانسه را از ایفا وظیفهای که تاریخ - و نه قوانین پیوسته بورژوازی - بعهده او گذاشته است باز دارد . حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه به فعالیت مخفی دست زد و روزنامه " هومانته نوین " صحیفاته باشتار برداخت و امروز حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه از اختیاری بیش از پیش برخوردار است .

روزنامه " هوما نیته نوین " در شماره اخیر - نوامبر

همه نوده های خلق را به تشکیل جبهه ضد انحصاری و ضد امپریالیستی فرا خوانده است . " هومانته نوین " میگوید : " در عین حال که حیات رهبران حزب کمونیست فرانسه - سر کوب تظاهرات بهار ۱۹۶۸ را تسهیل کرد کمبود تظاهرات مذکور عبارت بود از فقدان جبهه‌های که رهبری مبارزات نوده‌های را وحدت بخشند .

حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه تجاربتاریخ جنبش کارگری فرانسه را بویژه جبهه توده‌های ۱۹۳۶ و جبهه ملی دوران مقاومت را یاد آور میشود .

این جبهه ها چون از بالا بوجود آمده و از پایین ضعیف بودند بشکست انجامیدند (مورس تویز در ۱۹۴۹ در این مورد به انتقاد از خود میی دست زد) .

پس شرط ضروری موثر بودن چنین جبهه‌های قبل از هر چیزی اینست که از پایین سازمان یابد و با توده ها در پیوند باشد . در چنین شرایطی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه ندا میزند که وحدت مبارزان و کلیه زحمتکشانی را که می خواهند سیاست بنیوایی ، بیدادگری و ارتجاع دولت انحصارگرا پایان داده شود با تمام نیرو گسترش ببخشیم .

ما بخت داریم که رفقای حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه با آنها ، بر مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون ، با مبارزه بی امان با رومینوسهای حزب والد که روشه با اتحاد منی توده های در تشکیل جبهه متحد زحمتکشان فرانسه روز بروز یکامیابیی توفانی در راه انقلاب سوسیالیستی نائل خواهند آمد .

زند با حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه ، پیروزان مبارزه خلق انقلابی فرانسه بر ضد دولت انحصارگرا افروخته‌های درفش ظفر بخش مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون .

رهائی خلق ایران در پیروزی جنبش نوده‌های است